

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

Second Round - Issue No.28 - November 2016 - Afghanistan Revolutionary Movement of Youth (ARMY)

عقرب ۱۳۹۵ (نوامبر ۲۰۱۶)

شماره (۲۸)

دور دوم

تجاوز اشغالگران امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا را

در افغانستان تقبیح می نمایم.

روز ۱۶ میزان ۱۳۹۵ خورشیدی مصادف است با هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ میلادی، روزی که اشغالگران امپریالیست تحت رهبری یانکی‌های امریکایی بطور لجام گسیخته به افغانستان حمله نمودند و افغانستان را مورد حملات وحشیانه از طریق موشک‌های دور برد و حملات هوایی با طیارات B-52 قرار دادند. در این حملات وحشیانه هزاران نفر از مردم بی گناه این سرزمین جان خود را از دست داده و هزاران نفر زخمی و معلول گردیدند و ده‌ها هزار نفر بی خانمان شدند.

صفحه ۲

دور دوم شماره میخترانیهم

حمله وحشیانه اشغالگران امریکایی را در ولایت کندز به شدت

صفحه ۳

تقبیح می کنیم

یاد و خاطرات بنیان گذاران سازمان جوانان مترقی گرامی

صفحه ۵

باد!

په ننگرهار ولایت کی دیر غلگرو ځواکونو وحشیانه

پر مخ ۷

برید په کلکه غندو

یاد و خاطره جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین گرامی و

صفحه ۸

جاودان باد

پولیس محلی "حربکی ها" در ولایت لغمان دست به آزار و

صفحه ۹

اذیت مردم ملکی می زند

داکتبر د اومی (۷) خونری پایلی



تجاوز اشغالگران امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا را

در افغانستان تقبیح می نمایم.

در افغانستان گردیده است. هر قدر که این توسعه طلبی و رقابت‌ها شدیدتر گردد به همان اندازه جنگ تحمیلی ارتجاعی اشغالگران نیز شدیدتر می‌گردد.

در این جنگ تحمیلی ارتجاعی از طرف اشغالگران، حملات وحشیانه هوایی اشغالگران امریکایی روز به روز شدیدتر می‌گردد به همان اندازه میزان تلفات غیر نظامیان افزایش می‌یابد و مردم بیگناه به شکل بیرحمانه‌ای کشته می‌شوند. همه ما شاهد هستیم که در این اواخر به اثر جنگ ارتجاعی تحمیلی توسط اشغالگران امپریالیست علاوه بر اینکه تعداد زیادی از مردمان ستمدیده مردمان ولایات کندز، بغلان، تخار، هلمند، فراه و... کشته، زخمی و معلول گردیدند، تعداد زیادی خانه و کاشانه خود را از دست داده و بعنوان بی‌جاشدگان رهسپار دیگر ولایات گردیده و در حالت بسیار بدی زندگی را سپری می‌نمایند. بنابر اذعان رئیس شورای ولایتی هلمند، تنها در ماه اسد سال ۱۳۹۵ خورشیدی ۵۸۶ غیر نظامی کشته شده‌اند. (او از تعداد زخمی و معلول چیزی نگفت)

اگر این ارقام را در ولایات دیگر که جنگ ادامه دارد تطبیق نمایم در ولایات جنگ زده در ظرف یک ماه بیش از پنج هزار غیر نظامی کشته شده‌اند. (در اینجا از قلدرمندی مقامات بلند پایه دولتی، اختطاف‌ها و تجاوزات جنسی می‌گذریم؛ درحقیقت امروز افغانستان به گورستانی برای توده‌های دربند کشیده شده، تبدیل شده است.

رژیمی که از سال ۲۰۰۱ میلادی توسط اشغالگران به چوکی دست نشاندگی رسید، یکی از فاسدترین رژیم در تاریخ افغانستان است. حکومت "وحدت ملی" که مردم نام حکومت "جان کری" را به او داده‌اند، یکی از منحوس‌ترین و میهن فروش‌ترین حکومت در این یک و نیم دهه اخیر می‌باشد.



روز ۱۶ میزان ۱۳۹۵ خورشیدی مصادف است با هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ میلادی، روزی که اشغالگران امپریالیست تحت رهبری یانکی‌های امریکایی بطور لجام گسیخته به افغانستان حمله نمودند و افغانستان را مورد حملات وحشیانه از طریق موشک‌های دور برد و حملات هوایی با طیارات B-۵۲ قرار دادند. در این حملات وحشیانه هزاران نفر از مردم بی‌گناه این سرزمین جان خود را از دست داده و هزاران نفر زخمی و معلول گردیدند و ده‌ها هزار نفر بی‌خانمان شدند.

این حملات وحشیانه مدت دوماه دوام نمود، همانطوری که در این مدت از هوا، موشک و بمب بر سر مردم افغانستان می‌ریخت، احزاب ارتجاعی جهادی، ملیشه‌های بدنام بعنوان نیروهای پیاده زمینی اشغالگران در افغانستان وظیفه خود را در راستای منافع اشغالگران انجام دادند. بعد از دوماه اشغالگران امپریالیست به کمک احزاب جهادی و ملیشه‌های بدنام توانستند که طالبان را از قدرت به زیر کشند و شاه شجاع سوم (حامد کرزی) را بر اریکه دست نشاندگی جابجا نمایند.

گرچه افغانستان از ۴ دهه به این سو خونین‌ترین روزهای سیاه خویش را ورق می‌زند، اما در ظرف ۱۵ سالی که از عمر رژیم دست‌نشانده و اشغال افغانستان می‌گذرد، مردم افغانستان تلخ‌ترین روزهای زندگی‌شان را سپری نموده‌اند. از یک سو جنگ تحمیلی اشغال‌گرانه امپریالیستی بعد از تعهد سالانه ۵ میلیارد دلاری کمک‌های نظامی اشغالگران به افغانستان و وارد شدن دوباره نیروهای اشغالگر امریکایی در میدان‌های جنگ و از سوی دیگر نزدیکی امریکا و هند و دست‌درازی هند به افغانستان و به اختیار قراردادن ۴ پایگاه نظامی از طرف هندوستان به امریکا و عقد قرارداد نظامی بین دو کشور مبنی بر اینکه هر کدام می‌توانند از پایگاه‌های دیگری استفاده نمایند، باعث گردیده که پاکستان تا حدودی از امپریالیزم امریکا فاصله گرفته و روابطش را با چین گسترش دهد و به این اساس به مخالفت‌های جدی با هندوستان بپردازد. این سیاست اشغالگران امریکایی در منطقه باعث تشدید جنگ‌ها در داخل افغانستان گردیده است. در این میان مردم افغانستان قربانی جنگ تحمیلی اشغال‌گرانه امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیزم اشغالگر امریکا و توسعه طلبی امریکا در منطقه و توسعه طلبی هند

پیشآهنگ طبقه کارگر تا بیرون راندن نیروهای اشغالگر از افغانستان و سرنگونی رژیم دست نشانده به پیش رود و با اعمار جامعه نوین کاری کند که تمامی بقایای ظلم و ستم از ریشه محو گردد.

زنده باد استقلال

زنده باد آزادی

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین

ملی دست نشانده‌شان

به پیش در راه برپائی و پیش‌برد همه جانبه

مقاومت ملی مردمی و انقلابی

“جنبش انقلابی جوانان افغانستان”

۷ اکتوبر ۲۰۱۶

www.afghanistanrmy.org

javanaan@gmail.com

غنی و عبدالله برای اینکه به قدرت سیاسی دست نشانده‌گی برسند، حاضر گردیدند که در بدل این قدرت "توافقنامه" ننگین را با اشغالگران امریکایی امضاء نمایند و افغانستان را به مدت طولانی به اشغالگران امریکایی بفروشدند و به این طریق عملاً خاک افغانستان را از طریق هوا و زمین کاملاً در اختیار اشغالگران امریکایی قرار دهند.

در ظرف ۱۵ سالی که از عمر ننگین رژیم پوشالی می گذرد زندگی توده‌های این خطه به شکلی از اشکال به تباهی سوق داده شده است.

امروز در افغانستان بیشتر از ۶۰ فیصد توده‌های ستمدیده زیر خط فقر زندگی شبانه روزی خود را سپری میکنند، نبود آب آشامیدنی و مراقبت‌های صحی که اکثریت مطلق مردم از آن محروم اند یک طرف، اعتیاد به مواد مخدر و فوران نیروی بیکار جامعه از طرف دیگر دمار از روزگار مردم ما در آورده است، فوج عظیم مهاجرت به کشورهای همسایه جهت دست یازی به کار و اشتغال نیز از دست آورده‌های این رژیم سراپا منحوس است.

جوانان غیور و ملت شریف و مبارز افغانستان!

یگانه راه بیرون رفت از این همه بدبختی و مصیبت مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده‌شان می باشد. این مقاومت، مستلزم همبستگی و یکپارچگی مردم مبارز است، که تحت رهبری

حمله وحشیانه اشغالگران امریکایی را در ولایت کندز به شدت تقبیح می کنیم

طالب مواجه شدند که در اثر آن چندین تن از سربازان ارتش امپریالیست های یانکی کشته شدند. بعد از این واقعه ارتش امریکا برای انتقام سربازان شان تمام منطقه "بدون تفکیک" بمبارد نمودند که در نتیجه آن این فاجعه رخ داد.

اما از نظر نظامی این عمل درست است که برای دست گیری و یا کشتن چند مخالف مسلح تمام قریه را با خاک یکسان ساخت؟

در دُکترین نظامی هیچ ارتش جهان چنین نیست که برای از بین بردن چند مخالف، تمام قریه را به تانگ و توپ بست. اما اشغالگران امریکا برای از بین بردن روحیه مبارزاتی مردم و ایجاد رعب و وحشت دست به چنین اعمال ضد بشری می زنند.

رژیم پوشالی و در راس آن دست نشانده امریکا "اشرف غنی" مثل همیشه در قبال این جنایت هولناک خاموشی مرگبار اختیار نموده است و به جای تقبیح این جنایت و غم شریکی با مردم داغ دار از این عمل

بامداد روز پنجشنبه ماه جاری در نتیجه حمله هوایی نیروهای ددمنش امریکایی در منطقه بزکندھاری ولایت کندز بیش از پنجاه خانه مسکونی تخریب شدند. در این حمله هولناک سی تن از هموطنان بی گناه ما به شهادت رسیدند و ده تن دیگر زخم برداشتند. در میان قربانیان اطفال و زنان نیز شامل هستند.

رژیم دست نشانده کابل بعد از چهار روز تاخیر با نشر یک اعلامیه اعلام کردند که عامل اصلی کشته شدن ملکی ها، امریکایان نه بلکه طالبان هستند زیرا آن‌ها از خانه های مردم به حیث سنگر استفاده می کنند.

اما حقیقت چیست؟

به اساس گزارش ها در منطقه بزکندھاری سه تن از فرماندهان میان رتبه طالبان اقامت گزیده بودند. نیروهای امریکا به واسطه جاسوسان محلی شان از حضور این افراد باخبر شده بودند و برای دست گیری آنها دست به عملیات زدند. اما حمله نیروهای امریکا با مقاومت شدید تک تیراندازان چریکان

هدایات بادهای شان به شکل مستقیم و غیر مستقیم دفاع می‌کند.

آیا توده‌های مظلوم که قربانیان حملات هوایی اشغالگران گردیده اند بشر نیستند؟

آیا اشغالگران و در راس آن اشغالگران امریکایی ناقضین حقوق بشر نیستند؟

مردم شریف و مظلوم افغانستان دیگر ماهیت حقیقی اشغالگران، رژیم دست‌نشانده، رسانه‌های مزدور و پادوهای امپریالیزم را درک نموده و به عوام فریبی اینها اغفال نمی‌شوند.

از سوی دیگر احزاب سیاسی و رهبران "جهادی" و اپوزسیون "گروه‌های نام‌نهاد مخالف درون رژیم" تا به حال در این مورد شدیداً خاموشی اختیار نموده‌اند. این در حالی است که این رهبران نام‌نهاد برای کسب منافع شخصی و گروهی خویش هر از گاهی تجمعات بزرگ را تشکیل می‌دهند و به نام مردم از رژیم دست‌نشانده و امپریالیستها طالب امتیازات می‌گردند.

هموطنان عزیز!

قسمی که در گذشته‌ها گفته ایم یک بار دیگر هم تکرار می‌کنیم که راه حل این تراژیدی متداوم ما آغاز مقاومت ملی مردمی و انقلابی برای طرد و اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست‌نشانده است. در هیچ برهه تاریخی، هیچ اشغالگری به رضایت خویش دست از تجاوز نکشیده و استقلال کشورهای مستعمره را به رسمیت نشناخته است. بلکه مقاومت و جانفشانی توده‌های زحمتکش کشورهای تحت سلطه باعث اخراج قهری اشغالگران از کشور گردیده و استقلال و آزادی کشور را از طریق زور بدست آورده‌اند.

در شرایط کنونی هم نمیتوان بدون مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی اشغالگران و در راس آن اشغالگران امریکایی را از کشور بیرون راند. فقط با بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست‌نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین میتوان جامعه را اعمار نمود و بر تمام نابسامانی‌ها پایان داد.

جاوید

ننگین بادهای شان به شکل مستقیم و غیر مستقیم دفاع می‌کند.

شاه شجاع سوم "حامد کرزی" در زمان چاکرمنشی خود در قبال حملات هوایی امریکا حدقل یک پیام دروغین و کاذب تسلیم نشد. اما چاکرمنش بی‌ضمیر فعلی حتا به شکل نمادین و سمبولیک هم کدام اعلامیه به نشر نمی‌رساند که این عمل وی عمق مزدورمنشی، میهن‌فروشی و سرسپردگی وی را به نمایش می‌گذارد.

در طی یک ماه گذشته چندین حمله بزرگ هوایی از سوی نیروهای ددمنش و متجاوز امپریالیزم یانکی در سراسر کشور انجام شد که در نتیجه آن صدها تن از هموطنان بی‌گناه ما شهید و مجروح شدند. به عنوان نمونه از چند حمله مدعش یادآور می‌شویم.

۱- حمله در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار

۲- حمله در ولسوالی کامه ولایت ننگرهار

۳- حمله در ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار

۴- حمله در ولسوالی خوشامند پکتیکا

۵- حمله در ولسوالی برمل پکتیکا

۶- حمله در ولسوالی پشت‌رود ولایت فراه "در این حمله سربازان اردوی اجیر مورد حمله قرار گرفته بود"

۷- حمله در ولایت ارزگان "هدف پولیس محلی بودند"

۸- حمله در ولایت پکتیا "هدف حمله پولیس رژیم دست‌نشانده بود"

۹- حمله در ولایت ارزگان "هدف حمله مردمان ملکی بودند"

اینها نمونه حملاتی بودند که در یک ماه گذشته رخ داده است. گماشتگان امریکا در قبال تمامی این حملات مرگ آفرین خاموشی مرگبار را اختیار نموده‌اند. در همین حال رسانه‌های وابسته به امپریالیزم یانکی نیز در این مورد نه تنها اطلاع‌رسانی (که وظیفه‌شان است) نکرده‌اند، بلکه عمدتاً دست به کتمان حقایق زده‌اند. نهادهای "مدافع حقوق بشر" نیز تا بحال در این مورد کدام واکنش از خود نشان نداده‌اند. از سوی دیگر پادوهای رژیم و بلندگوهای اشغالگران "فعالان مدنی" نیز از خود واکنش نشان نداده‌اند. اما در مواردی که به نفع اشغالگران باشد این مزدوران بی‌میهن به اساس

یاد و خاطرات بنیان گذاران سازمان جوانان مترقی گرامی باد!

تعدادی از جوانان میهن پرست کشور در ۱۳ میزان ۱۳۴۴ خورشیدی با درک رسالت تاریخی خویش مبتنی بر خط مشی انقلابی، سازمان جوانان مترقی را بنیان گذاری نمودند. این خط مشی اصولی، امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و ارتجاع داخلی را بعنوان دشمنان عمده کشور و مردمان کشور محسوب نموده و بطور جدی مبارزاتش را بر این مبنا به پیش برد و چهره خاینانه و ارتجاعی شان را فاش نمود. این مبارزات نمی توانست که دشمنی امپریالیزم، ارتجاع داخلی، سوسیال امپریالیزم و نمایندگان فکری شان را در پی نداشته باشد.

حینیکه سوسیال امپریالیزم " شوروی " در هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی در افغانستان کودتا نمود و نمایندگان فکری شان را از زندان داود بیرون نموده و به چوکی دست نشانده گی رساند، نمی توانست خشم و نفرتش را نسبت به شعله یی ها مخفی نگه دارد. تقریباً دو ماه از قدرت گیری " حزب دموکراتیک خلق " افغانستان نگذشته بود که به دستگیری و زندانی نمودن بنیان گذاران، کادرها و صفوف جریان دموکراتیک نوین اقدام نمود و در ظرف چند ماه تعداد بیشماری از رهبران، کادرها همراه با رهروان جنبش دموکراتیک نوین زندانی گردیدند.

رژیم فاشیست و دست نشانده به این حرکت خاینانه بسنده ننمود، شبانه زندانیان را از زندان بیرون نموده و زنده به گورهای دسته جمعی سپردند. این عمل جنایتکارانه تا سقوط کامل رژیم فاشیست و مزدور ادامه داشت.

در مدت ۱۴ سال حاکمیت دست نشانده گان " حزب دموکراتیک خلق افغانستان " بیش از ۲۵ هزار نفر از نیروهای انقلابی کشور در زندانها، میدان مبارزاتی جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم و مواجه شدن با سرکوب خونین احزاب ارتجاعی جهادی جانهای شانرا از دست دادند که بیشتر این تلفات در زندانهای دهشت و وحشت " خلقی - پرچی " ها اتفاق افتاده است. روز هفتم قوس ۱۳۵۸ خورشیدی روزی است که رفیق اکرم یاری بنیان گذار سازمان جوانان مترقی با جمعی از رفقای هم‌رمزش اعدام و مانند بقیه رفقای شان در گور دسته جمعی دفن گردید.



زنده یاد استاد اکرم یاری



زنده یاد عبدالاله رستاخیز



زنده یاد صادق یاری



زنده یاد داود سرمد



زنده یاد بشیر بهمن



زنده یاد سلطان احمد معلم



زنده یاد رسول جرئت



زنده یاد مجید کلکانی



زنده یاد سیدال سخندان



زنده یاد قاضی احمدزایا

مردم شریف و زحمتکش افغانستان:

هر فرد انقلابی و میهن پرست می داند که خدمت به اشغالگران و رژیم دست نشانده خیانت به مردم و میهن و انقلاب می باشد. لذا راه دوم را باید برگزید.

در اینجا می خواستیم مکث کوتاهی روی تعدادی از جوانانی که امروز بیزاری خود را از سیاست اعلام می دارند و یا می گویند که سیاست کار خوبی نیست نمایم و اما به نقل پر محتوای برشت در این زمینه بسنده می کنم.

برشت در این زمینه چنین می گوید:

« بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است! »

وی کور و کر است، درک سیاسی ندارد و نمی داند که هزینه های زندگی از قبیل قیمت نان، مسکن، دارو و درمان همگی وابسته به تصمیمات سیاسی هستند. او حتی به جهالت سیاسی خود افتخار کرده، سینه جلو می اندازد و میگوید که: «از سیاست بیزار است».

چنین آدم سبک مغزی نمی فهمد که بی توجهی به سیاست است که زنان فاحشه و کودکان خیابانی می سازد، قتل و غارت را زیاد می کند و از همه بدتر بر فساد صاحبان قدرت می افزاید. »

نیروی آگاه و رسالتمند کشور دقیقاً درک نموده اند که با سیاست انقلابی است که می توان سیاست های ارتجاعی را خنثی نمود و گام های مثبت جهت تغییر جامعه برداشت و استعدادها را شگوفا ساخت، و راه رهایی از چنگال اشغالگران و دست نشاندهگان شان را به توده ها نشان داد.

همانطوریکه گفته شد که نیروهای انقلابی و میهن پرست مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی و رژیم دست نشانده را بر گزیده اند، آنها این مبارزه را تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و اعمار جامعه دموکراتیک نوین به پیش می برند. زیرا آنها خود را میراث دار خط اصولی سازمان جوانان مترقی می دانند و با درس گیری از تجارب مثبت و منفی جریان دموکراتیک نوین در راه تکاملی این خط اصولی گام برداشته و به پیش می روند و از هیچگونه کوششی برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده دریغ نمی ورزند. نجات میهن و توده های زحمتکش از چنگال اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی نیازمند وحدت همه نیروهای انقلابی است.

چنین اتحادی زنگ مرگ رژیم دست نشانده را به صدا در می آورد. پس با رسالت تاریخی نسل جوان، پیش به سوی چنین اتحادی.

زنده و جاودان باد یاد و خاطره تمامی جانبختگان جنبش دموکراتیک کشور.

۲۸ سنبله ۱۳۹۵ خورشیدی

در رابطه با جنایات هولناک رژیم دست نشانده " حزب دموکراتیک خلق افغانستان " هر چه بگوییم در واقع کم گفته و یا چیزی نگفته ایم. بناء در شرایط کنونی که افغانستان به اشغال امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا در آمده است ضروری است تمام کسانی که خود را میراث دار خط انقلابی سازمان جوانان مترقی می دانند رسالت تاریخی خود را در قبال این جانبختگان درک نموده و هرگز فراموش نکنند که آنها بخاطر منافع زحمتکشان و میهن، مرگ را بر تسلیمی ترجیح دادند و امیدواری به رهروان این جنبش داشتند که راه شانرا ادامه می دهند. بر همین امیدواری فریاد زدند که:

ما به امید وفای تو گذشتیم زجان**دوستان را مبر از یاد و فراموش مکن.**

فراموش نمودن این جانبختگان و یا سر باز زدن از خط اصولی شان جفای بزرگی در حق جانبختگان و توده های ستمدیده کشور است.

توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی به درستی درک نمودند که جنایتکاران " حزب دموکراتیک خلق افغانستان " تا دیروز در خدمت اشغالگران سوسیال امپریالیزم " شوروی " قرار داشتند و در جهت تامین منافع شان مبارزه مینمودند و تمام کسانی که علیه اشغالگران مبارزه مینمودند بنام های چوچه های انگلیس و مائوئیست نامیده و سرکوب نمودند. این جنایتکاران برای دوستی افغان - شوروی گلو پاره نمودند. اما امروز اکثریت مطلق شان با تمام وقاحت و پیشرمی همراه با چوچه های انگلیس در خدمت اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا در آمده و دمار از روزگار مردم ستمدیده کشیده اند. این ها برای پیاده نمودن دموکراسی اشغالگران غربی از هیچگونه تلاش و کوششی دریغ نمی ورزند. همانطوریکه دیروز با خوش خدمتی به سوسیال امپریالیزم نقش برده منشانه و ضد مردمی و ضد انقلابی خویش را ایفا نمودند، امروز با خوش خدمتی به اشغالگران امپریالیست و بخصوص اشغالگران امریکایی که نقش رهبری کننده را به عهده دارد این نقش خاینانه را بازی می نمایند.

در چنین شرایطی که موج تسلیمی و تسلیم پذیری نسل جوان کشور را فرا گرفته هر فرد میهن پرست و انقلابی باید از خود سوال کند که چه باید کرد؟ آیا در خدمت اشغالگران و رژیم دست نشانده درآمد و یا اینکه جهت تغییر شرایط کنونی به مبارزه فعال ایدئولوژیک - سیاسی مبتنی بر خط اصولی و انقلابی برای بر پایی و پیشبرد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی جهت بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین به پا خاست؟ و یا اینکه هیچکدام! یعنی نظاره گر اوضاع بود و گفت که من از " سیاست بیزارم ".

په ننگرهار ولایت کی

دیر غلگرو ځواکونو وحشیانه برید په کلکه غندو

جاوید (۷ میزان ۱۳۹۵)

اداری به کله ناکله په داسی بریدونو تشه خواشیني نبودله خو د امریکا د بهرنیو چارو وزیر په لاس جوړ شوی نوکر رژیم دغه کار هم نه کوی او غمجنو کورنیو ته یو تش تسلیت هم نه وایی.

دملی وحدت په نامه سهامی شرکت دخپل کار په لمړی ورځ دامریکایانو سره امنیتي تړون لاسلیک کړ او دافغانستان دخاوری، اوبو او هوا واک یی دوی ته وسپاره، چی په ترڅ کی امریکایی یرغلگرو ځواکونو ځل بیا دافغانستان د بی گناه او ملکی وگړو وژلو ته زور ورکړ.

"د افغانستان ځوانانو انقلابی غورځنگ" په ننگرهار ولایت کی دامریکایی ښکیلاک گرو پوځیانو هوایی برید په کلکه باندي غندی او ځان په دغه ملی ویر کی شریک بولی. "دافغانستان ځوانانو انقلابی غورځنگ" عقیده لری ترڅو چی بهرنی اشغالگر ځواکونه او دهغوی لاس پوځی رژیم دافغانستان دخلکو په سرنوشت باندي حاکم وی دغه شان غمیزی به تل تکراریری او لکه څنگه چی په تیرو شپاړس کلونو کی هیڅ چا له امریکایی ځواکونو څخه دبی گناه افغانانو دوژنی پوښتنه ونکړه هم دارنگه دننگرهار ولایت دشهیدانو پوشتنی امکان هم نشته ځکه چی دافغانستان اوسنی بل واکه رژیم له خپل بادار څخه دپوشتنی حق او وړتیا نلری.

زمونږ په اند دنوموړی تراژیدی یواځنی او دایمی دخل لاره دیر غلگر ځواکونو او گوډاگی رژیم په وړاندی ملی، ولسی او انقلابی مقاومتونه په کلکه مخ بدلیول دی.

د سهار په توره څپه د یانکی قوتونو هوای ځواک دننگرهار داچین ولسوالی په شډل بازار کی ړنده مېباری وکړه چی په ترڅ کی ۲۷ تنه ملکی وگړی ووژل شول او په لسگونه تنه نور پکی ټپیان شول.

ویل کیږی چی برید د یو قومی مخور په حجره باندي ترسره شوی او وژل شوی ټول ملکی کسان دی. دا برید په داسی حالت کی ترسره کیږی چی کابو دوه میاشتی وړاندی دپکتیکا دخوشامند په ولسوالی کی دډاکتر ورینمین په کور باندي هم دامریکا ښکیلاک گر هوایی ځواک حمله وکړه چی په ترڅ کی دنوموړی دکورنی دیارلس تنه غړی پکی ووژل شول، چی په شهیدانو کی ښځی او ماشومان هم شامل ول.

په " گلا خان دخوشامند ولسوال او دپکتیکا دامنیه قومندان خلیل الله ضیایی " هم یاده پېښه تایید کړی وه. همدارنگه د روان هجری شمسی کال دجوزا میاشت په ۱۹ مه نیټه هم د پکتکا ولایت د گومل ولسوالی کی په هغه ډاټسن ډوله موټرداشغالگرو ځواکونو دبی پیلوټی الوتکی برید وکړ چی قومی مشران په کی سپاره ول په یاده پېښه کی پنځلس تنه قومی مشران او دسیمی مخور وژل شوی ول.

د ۱۳۹۵ کال له پیل راهیسی امپریالیستی ځواکونو په هوایی او ځمکنیو بریدونو کی بی شمیره ملکی وگړی وژل شوی او ټپیان شوی دی. د کابل بلواکه او لاس پوځی رژیم په یادوخونړیو بریدونه باندي چپه خوله پاتی ده. د دریم شاه شجاع دماموریت په دوران کی گوډاگی

یاد و خاطره جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین گرامی و جاودان باد

به ما ننگ و نفرین تاریخ بود

اگر راه سازش بگیریم به پیش

نه از بیم زندان و عفریت دار

خیانت بورژیزم به یاران خویش

نعیم اظهر

آموزی از تجارب مثبت و منفی در جریان مبارزاتی شان علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و اشغالگران داعشی قاطعانه ایستادگی نموده و راهی که ایشان بنیان گذاری نموده اند با دل و جان ادامه دهیم. در این مسیر پر خم و پیچ، تمام مصائب را قبول نموده و از قربانی هراسی به دل راه ندهیم و به پیش حرکت نماییم.

ما فراموش نمی کنیم که بنیان گذاران جنبش دموکراتیک نوین در اولین قدم نه تنها علیه امپریالیزم، فیودالیزم و بورژوازی بیروکرات کمپرادو خط روشن و صریح کشیدند و ایستادند، بلکه علیه تجدید نظرطلبان سوسیال امپریالیزم " شوروی " و مزدوران وطنی شان بطور جدی ایستادند و مبارزه نمودند. آنها بعد از اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم به مقاومت پرداختند و بطور جدی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان مبارزات خستگی ناپذیر خویش را پیش بردند و مرگ را بر تسلیمی ترجیح دادند. با اظهار تاسف که این مقاومت بطور مستقلانه صورت نگرفت. شرکت رهروان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در مقاومت علیه اشغالگران سوسیال امپریالیزم بطور قطع مثبت بود، اما عدم استقلالیت شان جنبه منفی این مقاومت را نشان می دهد.

ما یاد عزیزان جانبخته جنبش دموکراتیک نوین را گرامی می داریم و هرگز فراموش نمی کنیم که بنیان گذاران و رهروان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان بخاطر تحقق دموکراسی نوین و جامعه عاری از ستم و استثمار به مبارزه پرداختند و جان های شانرا فدا ساختند.

تجارب گران بهای این عزیزان بما آموخت که در مبارزه

در روز ۱۳ میزان ۱۳۴۴ خورشیدی سازمان جوانان مترقی به پیش گامی رفیق زنده یاد اکرم یاری بنیان گذاری شد. سازمان جوانان مترقی با تکیه بر این خط و مشی اصولی توانست که به زودترین فرصت جریان دموکراتیک نوین را راه اندازی نماید. این جریان با تکیه بر خط مشی سیاسی ضد امپریالیستی، ضد سوسیال امپریالیزم و نمایندگان فکری شان در داخل افغانستان و هم چنین ارتجاع داخلی توانست که به جریان همه گیر و توده ای تبدیل شود.

روز ۱۳ میزان در حقیقت روز خط کشی میان انقلاب و ضد انقلاب در افغانستان بود. خطی که در روز ۱۳ میزان بنیان گذاری گردید، امروز رهروان این راه با سرافرازی و افتخار اعلام می دارند که ما میراث دار این خط هستیم و آنرا با تمام توان و توش خود ادامه می دهیم.

در پنجاه و یکمین سالگرد جنبش دموکراتیک نوین یادآوری می نمائیم که ما میراث دار خط شان هستیم و این را هم یاد آوری می نماییم که رهروان این راه در مقاومت عیه سوسیال امپریالیزم و مزدوران شان جانانه رزمیدند و جان شان را فدا ساختند. فداکاری و جان نثاری شان به ما درس ایثار و فداکاری را آموخت. ما هم با خون جانبختگان این جنبش سوگند یاد می کنیم که از تجارب مثبت و منفی و فداکاری و ایثار جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین سرمشق گرفته و ادامه دهنده راه شان می باشیم و همیشه یاد و خاطره جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را که آگاهانه و صادقانه زیستند و در مقابل ارتجاع، امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و مزدوران شان سر خم نکردند همیشه زنده و جاودانه نگه می داریم.

ما در این روز یکبار دیگر اعلام می نماییم که با درس

تمامی نیروهای انقلابی و میهن پرست ضد اشغال و تجاوز باید دست رد بر سینه تمام تسلیم‌شدگان و تسلیم طلبانی بزنند که خون جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین را وجه المصالحه خیانت‌های ملی شان قرار داده و در درگاه اشغالگران سر تعظیم فرود آورده و تا جاه و مقامی در کرسی‌های بلند دولتی اشغال نمایند و بر خوان یغمای اشغالگران بنشینند.

انقلابیون کشور پنجاه و یکمین سال بنیان‌گذاری سازمان جوانان مترقی را ارج می‌گذارند و یاد جانباختگان جریان دموکراتیک نوین کشور را گرامی می‌دارند.

پیش به سوی وحدت تمامی نیروهای انقلابی کشور!

اول میزان ۱۳۹۵ خورشیدی

علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده تا بیرون راندن کامل آنها از این سرزمین و اعمار جامعه نوین به پیش حرکت کنیم. برای پیشروی در چنین مسیری وحدت تمامی نیروی‌های انقلابی، ملی دموکرات و میهن پرست الزامی است بدون چنین وحدتی پیروزی بر اشغالگران و رژیم دست‌نشانده غیر ممکن است. پس در چنین شرایط ناهنجار جامعه تمامی نیروهای ضد اشغال باید به این نکته عطف توجه نمایند.

ما بطور قطع خواهان وحدت تمامی نیروهای انقلابی می‌باشیم. با ایجاد چنین اتحاد و همدلی است که می‌توان مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی را تدارک دید و تا بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست‌نشانده شان به پیش رفت.

پولیس محلی "حربکی‌ها" در ولایت لغمان

دست به آزار و اذیت مردم ملکی می‌زند

دست‌نشانده "نجیب جلاد" رشد بی سابقه ای نمود. قوای اشغالگر "شوروی" و رژیم دست‌نشانده اش برای مقابله با گروه با جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم "شوروی" در هر ولایت دست به ایجاد ملیشه زدند.

فرماندهان بزرگ ملیشه‌ها در زمان سیطره شوروی‌ها در افغانستان قرار ذیل اند.

- عبدالرشید دوستم "معاون اول رژیم دست‌نشانده فعلی"
- عصمت مسلم
- جبارملیشه
- انور هفت بلا
- حکیم بلوچ فرمانده ارشد جمعیت اسلامی در هرات
- تورن رسول امیر ولایتی حزب اسلامی در هرات
- جمعه گل پهلوان فرمانده ارشد حزب اسلامی در هرات
- شیرآقا چونگر فرمانده ارشد جمعیت العلما (حرکت انقلاب اسلامی)

مقدمه

توده‌های زحمت‌کش ولایت لغمان می‌گویند که پولیس محلی از چندی به این سو دست به آزار و اذیت مردم ملکی میزند. (کابل نیوز) این نیروهای ضد مردمی و عمال امپریالیزم برای مردم این ولایت مشکلات عدیده را به بار آورده است. مردم محل می‌گویند هنگامی که آن‌ها از جلو پوسته‌های این نیروها می‌گذرند، باید به آن‌ها پول بپردازند در غیر آن به بهانه‌های گوناگون آنها را زندانی و شکنجه می‌کنند.

تاریخچه پولیس محلی "حربکی" در افغانستان:

حربکی‌ها در افغانستان تاریخچه طولانی و مفصل دارند. برای نخستین بار این نیروها در زمان حاکمیت لیث صفاری برای مقابله با خوارج به میان آمده‌اند. در طول تاریخ حاکمان این مرز و بوم از این گونه نیروها برای پیشبرد اهداف خویش استفاده نموده است. در تاریخ معاصر افغانستان نیروهای حربکی یا ملیشه‌ها در سالهای اخیر اشغال افغانستان از سوی نیروهای سوسیال امپریالیزم شوروی برای دفاع از حاکمیت نیم بند رژیم دست‌نشانده شاه شجاع دوم بوجود آمد و در زمان رژیم

آنها از حوصله این نوشته بیرون است. مختصراً چند نمونه از جنایات حربکی ها را در مدت کوتاه عمر شان بر می شمارم.

1- **کشتار مردم ملکی** : نیروهای

حربکی در بسیاری قسمت های افغانستان به بهانه های گوناگون مردم ملکی را به قتل رسانیده است.

- در ماه ثور سال ۱۳۹۲ یکی از سربازان تحت فرمان قوماندان محمدالله یک فرد ملکی را در مربوطات مهترلام بابا "منطقه شیرگر" به قتل رساند. (بی بی سی)

- در ماه جوزا سال ۱۳۹۴ پولیس محلی دو تن از دهاقین را در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز به قتل رسانیدند. (راديوآزادی)

- در سال ۱۳۹۱ نیروهای حربکی در ولسوالی خان آباد یک راننده موتر را به قتل رسانید (طلوع نیوز)

- در سال ۱۳۹۲ عبدالحکیم شجاعی "فرمانده حربکی ها" ۲۱ فرد ملکی را در ولایت ارزگان به شهادت رسانید. (کابل نیوز)

- در سال ۱۳۹۳ در منطقه شاخ الکوز ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند سه عضو یک خانواده اخترمحمد از سوی برادر زاده سرفر محمد "فرمانده نیروهای پولیس محلی" تیرباران شدند. (ویب سایت خبریال)

ملیشه های تحت امر این فرماندهان خون آشام از هیچ نوع جنایت علیه مردم ستم دیده افغانستان دریغ نورزیده اند. تمامی مردم افغانستان به خصوص شهریان کابل جنایت های ضد انسانی این نیروهای ددمنش را به خوبی به یاد دارند. نیروهای حربکی در حقیقت دنباله همان ملیشه های دیروز است. زمانی که نیروهای متجاوز امریکایی و ارتش پوشالی افغانستان توان مقابله با طالبان را از دست دادند برای حفظ حاکمیت خویش دست به ایجاد حربکی ها زدند. مبتکر و بانی حربکی ها در افغانستان دیوید پتریوس "فرمانده عمومی نیروهای اشغالگر امپریالیزم غربی در افغانستان" میباشد. زمانی که وی در عراق قوای متجاوز امریکایی را رهبری می نمود. برای سرباند قصر سفید پیشنهاد داد که برای سرکوب نیروهای رادیکال سنی "شاخه القاعده در عراق" باید از قبایل و عشایر سنی عراق نیرو مردمی ساخته شود. طرح این جنرال خون ریز و قسی القلب امپریالیزم یانکی در عراق به طور نسبی موفق از آب به درآمد. غرور کاذب ناشی از کامیابی مقطعی در عراق باعث شد تا وی این پروژه را در افغانستان نیز تطبیق نماید. در افغانستان پولیس محلی در سال ۱۳۸۹ و به اساس فرمان شماره ۳۱۹۶ شاه شجاع سوم "حامد کرزی" ایجاد گردید. پولیس محلی برخلاف عراق در افغانستان به پیروزی دست نیافتند زیرا طالبان تا حد زیادی موثریت این نیروها را زیر سوال برده است. آن ها مبارزه بسیار بی امان را علیه حربکی ها از همان ابتدا آغاز نمودند و با ترور فرماندهان عمومی و محلی این نیروها کارایی آن ها را کم رنگ ساخته اند.

جنایات حربکی ها در افغانستان :

قسمی که در اوایل گفتیم که پروژه حربکی ها یک پروژه امریکایی است. امریکایی ها برای جلوگیری از سقوط مناطق به دست طالبان از این حربه علیه آنها استفاده نمودند. امریکایی ها با ایجاد این نیروها در پهلوی سرکوب مخالفین خویش تخم نفاق و دشمنی های عمیق را در میان توده ها و عشیره های با هم برادر افغانستان را کاشته است که تا سال های دراز آتش این نفاق خانه های مردم افغانستان را خواهد سوختاند. نیروهای حربکی در افغانستان جنایت های بی شمار ضد بشری را مرتکب شده است که پرداختن به تمامی

اموال (زیورات و پول نقد) آنها را به یغما می‌برند. ازسوی دیگر این نیروها از دهاقین و کشاورزان نیز بنام‌های گوناگون اخاذی می‌نمایند.

نتیجه گیری:

نیروهای پولیس محلی نه تنها در ولایت لغمان بلکه در سراسر کشور برای مردم افغانستان به یک مشکل بسیار بزرگ و تباه کننده مبدل گردیده است. این نیروها به دلیل ماهیت ضد مردمی اش از هیچ نوع جنایت فرو گذار نیستند. ازسوی دیگر باداران خارجی و داخلی آنها نیز هیچ نوع بررسی نظارت از آن‌ها به عمل نمی‌آورند. زیرا آنها برای رسیدن به اهداف شوم‌شان بر چنین افرادی تکیه میکنند. از این رو این نیروهای میهن فروش و مزدور با دست باز دست به جنایات نابخشودنی می‌زنند. رژیم دست نشانده و نیروهای اشغالگر امریکایی نه تنها این نیروها را در مقابل جنایات انجام داده شده محاکمه نمی‌کنند بلکه روز به روز به صلاحیت‌های این نیروها می‌افزایند. چنانچه از چندی به این سو عبدالرشید دوستم (سرکرده ملیشه ها و معاون اول اشرف غنی "دست نشانده امریکا") با چندین هزار ملیشه خودش و خون آشام خویش در شمال کشور برای سرکوب توده‌های افغانستان فرستاده شد و از هیچگونه جنایتی دریغ نوزید.

نیروهای انقلابی و میهن پرست دقیقاً درک نموده اند که این جنایتکاران به زور اربابان اشغالگرشان می‌پزند و دست به جنایات هولناک می‌زنند. برای خلاصی از شر این جنایتکاران باید توده‌های زحمتکش تحت رهبری پیشآهنگ طبقه کارگر به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی روی آورند و تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین به پیش روند.

در شرایط فعلی هر عنصر انقلابی و میهن دوست وظیفه دارد تا به مردم افغانستان و جهان درباره عملکرد ضد بشری این نیروها اطلاع رسانی نماید و چهره حقیقی و واقعی آن‌ها را به همه برملا سازد.

جاوید

• درسال ۱۳۹۳ فرمانده پولیس محلی بنام "عبدالقدیر" در ولایت ارزگان دو تن از واکسیناتوران را به قتل رسانید (پژواک)

• درسال ۱۳۹۵ پولیس محلی تحت رهبری عبدالجبار در ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند ۲۵ تن از مردم ملکی را به قتل رسانید. (کابل نیوز)

2- **تجاوز جنسی** : یکی دیگر از جنایات هولناک نیروهای حربکی در سراسر کشور تجاوز جنسی بالای زنان و دختران می‌باشد که به گونه نمونه چند مورد از این دست را ذکر می‌کنیم.

• پولیس محلی در ولسوالی خان آباد ولایت قندز یک دختر جوان را بعد از تجاوز جنسی گروهی به شکل وحشیانه "ذبح" به قتل رسانید.

• هشت تن از نیروهای حربکی در ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا بالای دختر دوازده ساله تجاوز جنسی نمودند. (رویترز)

• در تابستان سال ۱۳۹۳ سه تن از پولیس محلی در ولایت هرات بالای یک دختر که پایواز مادر بیمار خویش بودند به شکل گروهی تجاوز نمودند. (طلوع نیوز)

3- **سرقت** : در پهلو قتل و تجاوز جنسی حربکی ها در سراسر کشور دست به سرقت های مسلحانه می‌زنند. این نیروها در شاهراه‌های افغانستان از طرف شب موتر های مسافر بری را متوقف می‌نمایند و اموال مسافری را به تاراج می‌برند. مردم محل در ولایت کندز می‌گویند که حربکی ها از طرف شب به خانه های آن‌ها هجوم می‌آورند و تمامی

مرگ بر اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی

که در دام تزویر اشغالگران و خائنین ملی دست نشانده‌شان نیفتند، بلکه برعکس جنازه‌هایشان را دفن نموده و برای مبارزه و مقاومت علیه این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور قاطعانه آمادگی بگیرند و در عین حال برای تأمین خواست‌های برحق فوری و روزمره‌شان مستقل از هر جناح و نهاد وابسته به اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی، دست به مبارزه و مقاومت بزنند. مبارزه و مقاومتی که باید در مسیر برپایی و پیش‌برد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده‌شان و اشغالگران مرتجع داعشی به پیش رود!

اشغالگران مرتجع داعشی با حمله مرگبار و خونین دیروز ثابت نمودند که دست‌کمی از اشغالگران امپریالیست امریکایی و متحدان آن‌ها ندارند.

پس با توجه به تعهد خارااین به منافع علیای توده‌ها و کشور و با توجه به رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه با تمام قوت و توان به پیش!

به پیش در راه برپایی و پیش‌برد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست، خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

۳ اسد ۱۳۹۵ (۲۴ جولای ۲۰۱۶)

www.afghanistanrmy.org

jawanaan@gmail.com

حادثه خونبار و غم‌انگیز عصر روز شنبه ۲ اسد ۱۳۹۵ خورشیدی که در چهارراهی "دهم‌زنگ" شهر کابل بوقوع پیوست، باعث کشته و زخمی شدن حدود ۴۰۰ تن از شاملین گردهم‌آبی اعتراضی تحت رهبری "جنبش روشنایی" و تعدادی از نیروهای امنیتی رژیم گردید. طبق اخبار پخش شده توسط رسانه‌ها، مسئولیت این حادثه المناک را نیروهای اشغالگر مرتجع "داعشی" برعهده گرفته‌اند.

"جنبش روشنایی" که در اعتراض علیه تغییر مسیر انتقال برق پروژه "توتاپ" از ولایت بامیان به سالنگ شکل گرفت، به تاریخ ۲۷ ثور ۱۳۹۵ خورشیدی راه‌پیمایی گسترده‌ای را در کابل سازمان‌دهی نموده بود. راه‌پیمایی روز ۲ اسد دومین راه‌پیمایی اعتراضی توسط "جنبش روشنایی" بود. این راه‌پیمایی در مقایسه با راه‌پیمایی ۲۷ ثور، خیلی محدود و معدود بود و حداکثر تعداد شرکت‌کنندگان در آن بصورت تقریبی به ۳۵۰۰ نفر می‌رسید. دلیل این محدودیت و معدودیت آن بود که دو جناح نسبتاً نیرومند از جناح‌های شامل در رژیم دست نشانده یعنی جناح‌های خلیلی و محقق خود را از این راه‌پیمایی کنار کشیدند و در آن شرکت نکردند. به همین جهت راه‌پیمایی ۲ اسد صرفاً شامل "جنبش روشنایی" بود که در عین حال مورد حمایت‌های نهادهای "جامعه مدنی" مرتبط با منابع امپریالیستی و ارتجاعی خارجی قرار داشت. این جناح‌ها و نهادها سعی می‌کنند توده‌های مردم را اغوا نموده و به خیابان‌ها بکشانند تا به‌عنوان وزنه سیاسی بتوانند بر سرمیز سازش و تبانی با جناح‌های قدرتمند رژیم، از آن‌ها امتیازگیری نمایند. اما این کشمکش‌ها میان جناح‌های مختلف و نهادهای مختلف "جامعه مدنی" چیزی نیست جز دامن زدن به انقیادطلبی ملی در قبال امپریالیست‌های اشغالگر و تأمین منافع مستعمراتی - نیمه فیودالی کلیت رژیم دست نشانده!

ما ضمن غم‌شریکی با مردمان داغ‌دار کشور و بازماندگان قربانیان حادثه المناک دیروز، کلیه توده‌های داغ‌دار و سایر مردمان ملیت‌های مختلف کشور را فرا می‌خوانیم

عروس فاریابی غلتیده در خون

پهلوان : خوده دکوچه حسن چپ نزن سردار خان او هفته پیش خوب خبر بود که نماز جنازه ماما سلیم دقبرستان خنده میشه اما باز هم سر جنازه فیر کردند.

هر دو در حال گفتگو در همین مورد بودند که خلیفه عوض سردار خان را صدا زد.

سردار خان دیگا دم شده نان ره بکشم یا نی؟

بکش خلیفه اختیار ما در دست شما است. مقصد اول زنان را نان بتی.

خلیفه در حال باز کردن سر دیگ بود که یک جسم آتشین از فضا حویلی با سرعت زیاد عبور نمود و بعد از چند لحظه صدایی مهیبی شنیده شد. سردار خان با آواز بلند گفت:

خدایه خیر!

او بچه سیاه سرها را بگو که داخل بروند. هنوز کلید زیر زمینی را از جیب واسکتش نکشیده بود که صدا مدهشی تمامی حویلی را تکان داد. به یک چشم زدن چندین مرمی هاوان در نزدیک اطاق عروس اصابت نمود. در هر طرف اجساد سوخته و تکه پاره افتاده بود. سردار محمد خان در پهلوی دیگها افتاده بود. به بسیار مشکل از جایش برخاست و راسا به طرف اطاق عروس و داماد رفت تمام اطاق با خاک یکسان شده بود پسرش زیر دیوار شده بود وقتی خواست وی را از زیر آوار بکشد اما ضجه های عروسش متوجه اش ساخت.

عروس با لباس زیری در خون لت و پت شده بود سردار محمد در حالیکه اشک از چشمش می رفت قدیفه سرشانه اش را بالای عروسش انداخت و برای آوردن داکتر قریه از اطاق بیرون شد.

این جنایت نه جنایت اول اشغالگران و رژیم دست نشانده است و نه هم جنایت آخری شان خواهد بود. اشغالگران و رژیم دست نشانده از زمان اشغال کشور تا کنون چندین محفل عروسی، ختم قرآن و فاتحه مردم زحمتکش را به شکل وحشیانه ای به خاک و خون کشیده اند.

هموطنان گرامی :

تا زمانیکه اشغالگران در کشور حضور داشته باشند این جنایات به وحشیانه ترین شکل آن ادامه دارد. زمانی کشور و مردمان کشور می توانند از این وضعیت اسفبار نجات یابند که تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی پرداخته و تا بیرون راندن کامل اشغالگران از کشور و سرنگونی رژیم پویشالی و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین به پیش روند. به امید چنین روزی برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی به پیش.

برگ های درختان روبه زرد شدن نهاده بودند. هوا کم، کم به سردی گرائیده بود، فصل طلایی خزان جایش را به زمستان واگذار می نمود. در حویلی سردار محمد تعداد عظیم از مهمانان گرد هم آمده بودند. سردار محمد خیلی خوش و سرحال بود بالاخره به برادر ملک قریه زمینش را فروخته و جشن عروسی پسر کلانش را گرفته بود.

محاسن سفیدان همه به دور دیگ دانها نشسته بودند یکی از جوانان برای طبع خوشی و از روی شوخی یکی از ریش سفیدها را که به شعله آتش دیگ بسیار نزدیک نشسته بود او را اینطور مخاطب قرار داد.

کاکا نصرالله به خیالم که بیخی زیاد خنک خوردی، پیری است دگه.

پدرت پیر، پدر کلانت پیر هیمالی پنج بچه مثل تو ره جواب استم بیا قوشتی می گیری.

در همین حال سردار محمد که چای جوش سیاه در دستش بود در میان جمعیت آمد، در حالیکه پیاله چای نصرالله را پر می کرد به لهجه طنز آمیز گفت نصرالله خان اینها بچه های روغن های نباتی پیش مه و تو هیچ است. هر چه نباشد ماوشما روغن های زغر و دنبه خوردیم.

سردار محمد مصروف گفتگو با نصرالله خان بود که پهلوان مختار از پهلوی سماوار چای صدا زد.

سردار خان بیخی دکش استی بیا یگان وقت احوال ما غریبان را هم بگیر.

سردار خان : آدمم پهلوان جان.

چی گپ اس پهلوان چرا ایقه بی وار استی؟

پهلوان : سردار خان مه کمی تشویش دارم.

سردار خان : تشویش نکو برنج زیاد بار کدیم.

پهلوان : نی مه دگه تشویش دارم.

سردار خان : خیرچی تشویش داری پهلوان؟

پهلوان : مه بسیار می ترسم که امشو باز او مردم انداخت نکند.

سردار خان : بی غم باش پهلوان مه پیش قوماندان پوسته و قاری صاحب جمیل الرحمن رفتم هر دوی شان برایم اطمینان دادند که امشب به احترام شما عملیات نمی کنیم.

پهلوان : ولا سراین قوماندان مه هیچ باور ندارم.

سردار خان : چرا باور نداری

تظاهرات ۲ اسد جنبش روشنایی

حاضر شد و اذعان داشت که از تظاهرات صرف نظر صورت گیرد ولی با آن هم توسط بعضی‌هایی چون مهدوی و بهزاد و داوود ناجی و عزیز رویش که در معامله شب قبل با رژیم سهمی برای شان داده نشده بود این تظاهرات به راه افتاد و با تمام نابسامانی و بی برنامه‌گی اش ادامه یافت.

شعارهای منظم و مشخصی در این تظاهرات وجود نداشت و تا رسیدن به دهمزنگ جوانان احساساتی با شعارهای پراکنده چون (درد ما برق نیست فرق است، دولت دولت عدالت عدالت، انکشاف متوازن می‌خواهیم، روشنایی زنده باد) و با نظم بی نظم‌نما این راهپیمایی را رهبری کردند و در دهمزنگ سخنرانی شوونیستی نخست توسط دلال سیاسی یعنی "مهدوی" ایراد شد و ایشان در سخنرانی خود اظهار داشت که ما از "جامعه جهانی" خواهان حمایت و همکاری هستیم؛ سخنران کوتاه بعدی هم توسط "زینب مزاری" به واسطه لین تلفن راه دور ایراد و حرف‌های مشخصی نداشت و فقط اذعان داشت که بابه مزاری درک کرده بود که مردم هزاره به شعور سیاسی رسیده است و برداشت من از شعور سیاسی مطلوب "زینب مزاری" همان «تسلیم طلبی» و «تسلیمی» است که بر جو و وضعیت سیاسی مردم هزاره حاکم شده است و این ملیت را هر روز بیشتر از روز قبل فرا می‌گیرد و در آغوش استعمار و بردگی و ارتجاع امپریالیستی می‌اندازد و به همین‌طور است که می‌بینیم بیشترین فعالان مدنی دست‌پرده امپریالیزم هم از هزاره‌ها هستند. سخنران بعدی هم "بهزاد" مترجع و تسلیم‌طلب وکیل پارلمان و به اصطلاح نماینده مردم هرات بود که او هم چیزی مشخصی در حرف‌هایش دیده نمی‌شد و فقط حرف اصلی اش این بود که: «ما به جاده آمده ایم که به سران دولت متذکر شویم که آدم شوید» و بعداً هم "ناجی" و چندی دیگر حرف و حدیثی پرتاب کردند و نکته مشترک همه این دلالتان و میهن فروشان بازار گرم سیاست کشور این بود که ما خواهان عبور لین ۵۰۰ کیلوولت از راه بامیان هستیم و آمده ایم و اینجا در جاده خواهیم ماند تا خواست ما برآورده شود.

مسأله جالبی که در این تظاهرات به مشاهده می‌رسید دامن زده شدن آگانه روحیه تسلیم طلبی هرچه بیشتر از قبل بود. افراد را به رنگ‌های مختلف رنگ کرده بودند و لباس‌های متفاوتی به تن شان داده بودند تا برای دیگر ملیت‌ها نیز این روحیه تسلیم طلبی و به اصطلاح مدنی شدن و کشتن روحیه طغیان‌گری جوانان و سرکوب حس و شور انقلابی آنان و اگر عامیانه‌تر بگوییم راه به راه شدن به آنچه تقاضای اشغال و استعمار است یعنی پرورش خوی بردگی در مردم.

به ادامه مظاهرات گذشته جنبش روشنایی اینک دوباره امروز شنبه مورخ ۲ اسد ۱۳۹۵ جنبش روشنایی تظاهراتی سازماندهی کرد. این تظاهرات بامداد امروز ساعت ۸ از دشت‌برچی مصلی آغاز و تا چوک دهمزنگ با انفجاری بمبی حوالی ساعت ۳ اختتام یافت.

تعداد تظاهرات کنندگان حدوداً ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر محدود به ملیت هزاره بود و از ملیت‌های دیگری در آن شرکت نداشتند و رنگ و بوی شوونیزم ملیتی هزارگی آن چندان غلیظ بود که یکی از شعارهای آن اینطور تدوین شده بود «تاجیک، ازبک، هزاره با هم برادر و برابر». و از یادآوری و تبلیغ برادری با ملیت پشتون در آن خبری به مشام نمی‌خورد چه که ملیت‌های دیگر بر علیه ملیت پشتون توسط سازمان دهندگان آن تحریک می‌شد.

گرچند دیشب از طریق تلویزیون ارتجاعی "نگاه" مربوط به خلیلی اعلام شده بود که رژیم به مذاکره (معامله) با سران معامله‌گر جنبش حاضر شده است و تظاهرات ملغی اعلام شد و از مردم خواسته شد که در تظاهرات شرکت نمایند و صبح هم نماینده خلیلی، سعادت وکیل پارلمان رژیم در مصلی



لحظاتی قبل از تظاهرات تصمیم اتخاذ شده بود که چون دور مرحله اول تظاهرات اختتام پیدا کرده و مرحله دوم یعنی برپایی خیمه تحصن برای ماندگاری تا رسیدن به خواست جنبش یعنی توافق رژیم به انتقال لین برق ترانزیتی از بامیان که با توجه به قرائن و شواهد که از جنجال معرکه‌ها و معاملاتی که قبلاً توسط سران و سازماندهندگان جنبش برپایی خیمه تحصن تحت پوشش توتاب و خواست مردم بخاطر امتیازگیری از رژیم و وادارسازی رژیم به معامله، چون قبلاً رژیم موضع قاطع خود را اعلام کرده بود، لین ۲۵۰ کیلوولت برق را به بامیان خواهد داد و نه انتقال لین اصلی از بامیان. بنابراین موضع قاطع رژیم امیدوی برای تغییر مسیر انتقال لین اصلی ترانزیتی باقی نمی‌ماند و بدین جهت از

و مسأله دیگر اینکه این جنبش تقریباً مردانه بود از زنان بسیار محدود افراد در آن شرکت کرده بودند به صورت تقریبی یعنی بیست تا سی نفر و آن هم فعالین مدنی دست پرورده امپریالیست‌ها که به شکل نمایی شرکت جسته بودند.



رژیم مزدور که با سرهمبندی مشت خاین تحت نام "حکومت وحدت ملی" که در اصل میتوان وحشت ملی نام نهاد، نیز نمیتواند از این حوادث مبراء باشد.

ما بدون شک و با قاطعیت تمام اعلام می‌کنیم که مسئولیت این حوادث و هر حائیه دیگر بی‌شائبه و شک شبهه به‌دوش امپریالیستهای اشغالگر و اشغالگران مرتجع داعشی و این رژیم خائن و مزدور و دست‌نشانده بطور کل و مسئولیت تظاهرات امروز نه تنها به‌دوش رژیم که هم‌چنان به‌دوش سازماندهندگان آن یعنی داوود ناجی و بهزاد و مهدوی و رویش این بی‌آبروی نوکر امپریالیزم امریکا و خلیلی و سعادت و سائرین به‌طور خاصه که در برگذاری غیرمسئولانه این تظاهرات سهم گرفتند میباشد.

ضمن غم شریکی با مردمان داغدار سرزمین مان و بازماندگان قربانیان حادثه المناک امروز باید یادآوری نماییم که این دلالان و فاحشان سیاست و گردشگران بدنبال منافع شخصی و معامله‌گرانی به سرنوشت مردم و میهن هستند که باید توسط مردم و ستم‌کشان بازخواست گردند. که بازخواست این وابستگان به دالره‌های امپریالیزم غیر ممکن است مگر این‌که مردم به سمت خیزش و مقاومت ملی مردمی و انقلابی دست زنند و اشغالگران امپریالیست و اشغالگران مرتجع داعشی را از کشور بیرون رانده و این رژیم خائن و مزدور را با یک انقلاب ستم‌کشان سرنگون نموده و جامعه نوین و یک دولت انقلابی را بنیان‌گذاری نمایند و این خائنین را به محاکمه کشانند.

سازماندهی این تظاهرات توسط رویش، مهدوی، داوود ناجی و بهزاد هیچ برداشتی دیگری جزء فشار وارد آوردن بر رژیم بخاطری شریک ساختن اینان هم در خوان رژیم برداشتی شده نمی‌تواند.

بدین جهت آنچه اتفاق افتاد نه برپایی خیمه تحصن بلکه چندین انفجار هولناکی بود که باعث کشته و زخمی شدن حدود ۵۰۰ نفر انسان‌های اغوا شده بی‌گناهی بود و تمام. و با این انفجار همه پراکنده شده و تظاهرات اختتام پیدا کرد.

ولی آنچه مهم است پیرامون این تظاهرات و حوادث اتفاق افتاده ناگوار و کشتار خونین آن این است که مسئولیت این همه اغواگری و کشتار مردم بی‌گناه به دوش کی است؟

حادثه المناک امروز را نیروهای اشغالگر مرتجع داعشی برعهده گرفته است. بدون مبالغه میتوان گفت که سرزمینی که توسط اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست‌نشانده شان به یک مستعمره تمام عیار بدل گردیده، هنوز اشغالگری امپریالیستی از سرزمین مان رخت برنسته که اشغالگری دیگری در بطن و متن این سرزمین تحت نام "داعش" سربلند نموده است. اشغالگران مرتجع داعشی که اکثریت شان را نیروهای عرب گردانندگی میکنند درین جا بر سر حفظ و تحکیم قدرت و اینکه افغانستان مربوط به کدام اشغالگر باشد، در حال جنگ اند، از یک سوی اشغالگران امپریالیست یانکی و از سوی دیگر اشغالگران مرتجع عرب تحت نام "داعش".

حمله وحشیانه ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار را به شدت تقبیح می‌کنیم



می‌گذریم و فقط مکث کوتاهی روی حملات کور و وحشیانه اشغالگران در ظرف یک ماه گذشته و تلفاتی که در این مدت به توده‌ها وارد گردیده می‌نمایم.

از زمان تجاوز عریان اشغالگران به رهبری امپریالیزم اشغالگر امریکا به افغانستان و به مستعمره کشاندن این کشور وضعیت کشور و مردمان کشور روز به روز به وخامت گرائیده و توده‌های ستمدیده شاهد و گواه جنایات بی‌حد و مرز اشغالگران در افغانستان بوده‌اند. این جنایات از تیر باران دسته‌جمعی توده‌های بی‌گناه قندهار شروع تا تجاوزات جنسی و شکنجه‌های غیر انسانی در زندان مخوف اشغالگران و حملات کور هوایی و راکت باران خانه‌های مردم بی‌دفاع و بی‌گناه کشور ادامه یافته است.

در این قسمت از تیر باران دسته‌جمعی توده‌ها و سوختاندن اجسادشان و هم‌چنین تجاوزات جنسی و شکنجه‌های غیر انسانی در زندان‌های اشغالگران

در نتیجه حمله وحشیانه نیروهای متجاوز و اشغالگر امریکایی در ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار بالای منازل مسکونی بیش از سی تن از افراد ملکی کشته و مجروح شدند. گفته می‌شود که در میان قربانیان این حادثه خون بار زنان و اطفال معصوم نیز موجود هستند. مقامات محلی و مرکزی رژیم دست نشانده در مورد تلفات ملکی سکوت مرگبار اختیار نموده است. و بیش‌رمانه ادعا نموده است که حمله بالای منازل مسکونی نه بلکه بالای خانه یک فرمانده ارشد طالبان صورت گرفته است.

این در حالی است که دو هفته قبل نیز در یک حمله نیروی های ددمنش امریکایی در ولسوالی کامه ولایت ننگرهار سه تن از افراد ملکی جان باخته بودند. در آغاز سال خورشیدی سرباند قصر سفید برای سربازان متجاوز امریکایی در افغانستان صلاحیت‌های جدید تفویض



نمود، که در نتیجه آن حملات هوایی در افغانستان تشدید گردید. که در اثر آن تلفات غیرنظامیان نیز به طور بی‌پیشینه آن افزایش یافت. اشغالگران در طول یک ماه گذشته حملات وحشیانه‌ای را برنامه‌ریزی نمودند که تلفات زیادی بدنبال داشته است. در این جا مختصراً به ذکر این جنایات می‌پردازم.

۱- حمله هوایی در ولسوالی خوشامند در ولایت پکتیکا.

۲- حمله هوایی در ولسوالی برم‌ل پکتیکا.

۳- حمله هوایی در ولسوالی کامه ولایت ننگرهار

- ۴- حمله هوایی در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار
- ۵- حمله هوایی در ولسوالی شیرزاد ننگرهار
- ۶- حمله بالای نیروهای پوشالی اردو در ولایت فراه
- ۷- حمله بالای نیروهای مرتجع "پولیس ملی" در ولایت ننگرهار
- ۸- حمله بالای نیروهای مسلح رژیم دست نشانده در ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیکا

در حملات فوق صدها تن از هموطنان بی‌گناه ما به قتل رسیده است. اما رژیم پوشالی و در راس آن عروسک دست نشانده امریکا "اشرف غنی" در قبال تمامی این واقعیات خونبار نه تنها سکوت مرگبار را پیشه نموده است. بلکه به واسطه سخنگویان میهن فروش و بی‌ضمیر خود از این عملیات به نحوی حمایت نموده است. و حملات هوایی را در امر مبارزه با "تروریسم" موثر خوانده است.

هم وطنان عزیز:

قسمی که شما شاهد هستید در پانزده سال گذشته نیروی های اشغالگر امریکا در تبنانی با حکام خون آشام بومی هزاران فرزند این سرزمین را به شهادت رسانیده است. و بیش از صد ها هزار تن دیگر مجروح گردیده اند. حمله وحشیانه ولسوالی شیرزاد آخرین حمله از این دست نخواهد بود و توده های ستم‌دیده شاهد حملات وحشیانه بیشماری از این قبیل در آینده خواهند بود. بناً برای پایان دادن به این تراژیدی غم‌انگیز و رقت بار فقط یک راه وجود دارد، و آن برپایی و پیشبرد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی جهت طرد و اخراج نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین می‌باشد.

جاوید

بر خیز دختر افغان



درود بر زن درود بر مادر هستی

درودم باد بر تو ای دخت افغان

تو آن نوایی سنگین؛ در حبس قفس

که از همه سو جاریت کرده اند

بر زمین ات میزنند با نام های مختلف

تا بسازند نام خویش را سربلند

تا بخوانند نام تو از جنس دو

تا برانند خویش را از هر طرف

گر بگویند آقایی ور تویی



گر بدانند باز هم ظلم میکنند

تا که کردند نام تو را سرکوب

تا که دانند گر تو را خادم خویش

هلا!

ای دختر افغان به پا خیز و بگو رازت را

بشکن این نوایی رذل را

بشکن این آواء در خون تپیده ی مظلومان را

تو آن دختر قهرمان



دختر پر رنج و درد



که سالهاست در قفس مانده است

بی چون و چرا!

بی عیب و ثنا!

برخیز تا وطن را دیگر کنیم

بر خیز تا جلاد را بر تیغ کشیم

ای دختر دلیر و رزمنده و هوشیار

بر خیز که نامت جلال و از جنس دو پاک شود

تا وطن در گلشن و بار دیگر آزاد شود



برخیز ای دختر افغان !!

که تو امید فردایی

تفنگ در دست گیر، تا که دشمن را در خون غلطانی

تا که سازی اثبات تو نام خویش

تا که دانند دخت افغان یعنی چه؟!

دخت افغان افتخار سرزمین

دختر از کویری پر نوین

تا برسد الغیاثت آسمان

تا که رانی دشمنان از خاک خویش



رژیم دست نشانده فاسد ترین افراد را بالای توده ها حاکم ساخته است



شمار می رود. زمانیکه دولت دست نشانده نجیب سقوط نمود. برهان الدین ربانی وی را به حیث رییس دافغانستان بانک در ولایت ننگرهار مقرر نمود. زمانیکه دولت برهان الدین ربانی از سوی طالبان ساقط گردید، شهزاده مظلوم یار تمامی دارایی "پول نقد و فلزات گران بها" این بانک را در چهار موتر "داتسن" بار نمود و به کشور پاکستان منتقل نمود. این سرقت وی در آن زمان از سوی روزنامه های "وحدت" و "سهار" که از پشاور نشرات داشتند نیز نشر گردید. ملیشه های پاکستانی پول های وی را مصادره نمود. و شهزاده مظلوم یار با دادن ۵۰ هزار دالر به یک قاچاقبر انسان خود و فامیلش را به کانادا رسانید. زمانیکه در سال ۲۰۰۱ افغانستان از سوی امریکا و متحدین غربی آن اشغال گردید، شهزاده مظلوم یار دوباره به وطن برگشت و دوباره از سوی برهان الدین ربانی در دافغانستان بانک ولایت ننگرهار نصب گردید. در جریان تبدیلی پول افغانی که به نو در تبانی با مهره های دیگر رژیم دست نشانده میلیون ها افغانی را به جیب زد. اما حرص وی در این جا خاتمه نیافت و دست به جا به جا دالر جعلی در خزانه این بانک زد که از سوی کارمندان تفتیش باز داشت شد. اما به اساس پیشنهاد شفاهی ربانی "به امر عظیم جلیلی قاضی با صلاحیت ستره محکمه و خسر محمد یونس قانونی" از زندان رها گردید. زمانیکه جان کری غلام جدید را به ارگ معرفی نمود. خانواده ربانی به عبدالله عبدالله دست نشانده دیگر امپریالیستهای غربی

نیروهای اشغالگر امریکایی و رژیم دست نشانده افغانستان از سال ۲۰۰۲ به این سو برای پیش برد اهداف شوم وغارت گرانه شان مهره های بی ضمیر وفاسد را بالای توده های افغانستان حاکم نموده اند. نیروی های ددمنش امپریالیستی از میان انسان های بی وجدان و بی میهن این کشور مزدورمنش ترین شان را انتخاب می کند و آن ها را به عنوان وزیر، والی، قوماندان امنیه و... می گمارند. این افراد که جز حمایت اشغالگران هیچ چیز دیگری ندارند. از همین رو با تمام وجود برای آن ها خدمت "غلامی" می نمایند. در بدل این مزدور منشی حاکمان غربی نیز برای آن ها زمینه های وسیع برای غارت و چور و چپاول منابع این سرزمین را فراهم میسازند.

در طول چهارده سال پسین نیروهای متجاوز غربی در تبانی با شجاع شاه سوم "حامد کرزی" و مزدوران فعلی (اشرف غنی و عبدالله) مقامات نهایت فاسد و استفاده جو را در مقامات بلند دولتی در مرکز و ولایت کشور مقرر نموده اند. افراد متذکره نیز با تمام توان به غارت منابع افغانستان پرداخته و می پردازد و این پول ها را در کشورهای غربی (کشورهای بادرشان) سرمایه گذاری می نمایند.

یکی از این مقامات فاسد و میهن فروش معاون والی لغمان است. ولی شهزاده مظلوم یار نام دارد و از اعضای حزب منغور و خون ریز جمعیت اسلامی افغانستان به



هموطنان گرامی!

اگر حالت مستعمراتی کشور ادامه پیدا کند. کشورهای امپریالیستی و در راس آن امپریالیست های یانکی مهره هایی مانند شهزاده مظلوم یار و بدتر از وی را بالای سرنوشت این کشور حاکم خواهند ساخت. بناً برای بیرون رفت از این حالت رقت بار و ذلیل کننده فقط یک راه وجود دارد و آن هم آغاز مقاومت ملی مردمی و انقلابی برای طرد و اخراج نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده.

پیشنهاد نمود که باید شهزاده مظلوم یار را به صفت معاون والی ولایت لغمان مقرر نماید. عبدالله عبدالله وی را به چاکرمنش جدید امریکا "اشرف غنی" معرفی نمود، که وی نیز حکم تقرر شهزاده مظلوم یار را به صفت معاون والی ولایت لغمان صادر نمود.

شهزاده مظلوم یار مشت نمونه خروار است. تمامی اعضای بلند رتبه و میان رتبه رژیم دست نشانده از افراد فاسد و غارتگر شکل گرفته است. این افراد که در میان توده ها جای ندارند از همین رو به حمایت باداران خارجی خویش متکی هستند و برای غارت کشور دوشادوش نیروهای متجاوز گام بر می دارند.

جنایت نابخشدنی اشغالگران امریکایی را**در ولایت ارزگان را به شدت تقبیح می کنیم**

امپریالیزم یعنی جنگ، ترور، اختناق... امروز امپریالیست ها به اشکال و انواع گوناگون این همه مصائب را از طریق جنگ های تحمیلی بر توده های زحمتکش جهان و بخصوص کشورهای تحت سلطه و عقب نگه داشته شده تحمیل می نمایند. چنانچه امروز اکثریت کشورهای تحت سلطه در آتش جنگ های تحمیلی امپریالیست های اشغالگر می سوزند.

دو دهه اخیر بخوبی نشان داده هر جاییکه اشغالگران امپریالیست تحت رهبری امپریالیزم امریکا تجاوز و مداخله نموده مصائب بی شماری بر توده های آن دیار وارد گردیده و وضعیت توده ها روز بروز بدتر گردیده است.

از روزیکه اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا افغانستان را اشغال نمودند تا کنون نه تنها وضعیت امنیتی مردم بهبود نیافته بلکه توده های ستمدیده گروه گروه به شکل وحشیانه ای قتل عام گردیدند. این وضعیت اسفناک تا کنون ادامه داشته و

اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا شعار "آزادی زنان از قید اسارت طالبان" و "مبارزه با تروریزم" را بهانه قرار داده و با این شعار کاذبانه به افغانستان تجاوز نموده و آنرا به مستعمره تمام عیار خود در آوردند، و رژیم دست نشانده را شکلدهی نموده و به چوکی نوکر منشی گماشتند.

در حقیقت بزرگترین تروریست در جهان امپریالیست ها و در راس آن امپریالیزم امریکا است. کسانیکه امروز اشغالگران امریکایی تروریست می نامد و آنها را در لیست به اصطلاح سیاه جای داده است دست پروردگان خودشان است که در زمان جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم "شوروی" تربیه و بر توده های زحمتکش افغانستان تحمیل نمود. تا آنجائیکه منافع اشغالگران امپریالیست تقاضا نماید و حرکت گروه ها حسب خواسته و منافع شان پیش رود این گروه ها تروریست نیستند مانند سوریه، لیبی، یمن... هر گاه خلاف منافع شان حرکتی صورت گیرد آنگاه نام تروریست را میخورد.

کشته شدگان این رویداد مردمان ملکی می باشند که در میان قربانیان اطفال "ذکوروانا" نیز شامل هستند. رژیم پوشالی و در راس آن دست نشانده امریکا "اشرف غنی" مثل همیشه در قبال این جنایت هولناک خاموشی مرگبار اختیار نموده است. شاه شجاع سوم "حامد کرزی" در زمان چاکرمنشی خود در قبال حملات هوایی امریکا حدقل یک پیام دروغین و کاذب تسلیت نشر می نمود. اما چاکرمنشان بی ضمیر فعلی (غنی و عبدالله) نه تنها به شکل نمادین و سمبولیک کدام اعلامیه به نشر نمیرساند، بلکه جنایتکاران را کاملاً تبرئه نموده و مردم کشته شده بی دفاع را داعش و تروریست قلمداد می نمایند و به این شکل اشغالگران امریکایی را تبرئه می نمایند. این عمل شان عمق مزدورمنشی، میهن فروشی و سر سپردگی ایشان را به نمایش می گذارد.

هموطنان عزیز:

تا زمانیکه اشغالگران امپریالیست در افغانستان حضور داشته و رژیم دست نشانده بر مسند دست نشانده تکیه زده باشد همین آش است و همین کاسه. یگانه راه نجات از این مصیبت برپایی و پیشبرد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی برای بیرون راندن قهری اشغالگران از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه نوین می باشد. پس برای ایجاد چنین جامعه‌ای در راه بسیج توده‌ها تحت رهبری پیش آهنگ طبقه کارگر برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی به پیش.

جاوید

از این به بعد هم ادامه خواهد داشت. چنانچه در یکی از روزها که آسمان صاف و آبی بود خزان آهسته، آهسته جایش را به زمستان خالی می نمود. مردم روستایی برای دیدن یک قرارگاه که روز قبل سربازانش به طالبان تسلیم شده بودند به نزدیک قرارگاه آمده بودند. که در میان آن‌ها یک تعداد اطفال ذکور و اناث هم شامل بودند، همه سرگرم تماشا قرارگاه بودند بعضی از مردم آهن پاره‌های کهنه را جمع آوری می نمودند که ناگهان بر فراز قرارگاه یک هواپیما بی سرنشین به گشت زنی پرداخت. چند تن از ریش سفیدان برای مردمان حاضر در قرارگاه گفتند محل را ترک کنید چون ممکن است طیاره قرارگاه را بمبارد نمایند. اما مردم بدون توجه به سخنان این محاسن سفیدان مصروف گردآوردن اشیاء فلزی بودند، که ناگهان طرف چپ هواپیما سرخ شد و در یک چشم زدن تمام قرارگاه به جهنم مبدل شد.

در این حمله هولناک بیش از ۳۵ تن از افراد ملکی شهید و ده‌ها تن دیگر زخم برداشتند. یکی بزرگان قوم بنام حاجی اکبر حمله بالای مردمان ملکی و کشته شدن افراد بی گناه و مظلوم را نیز تایید نموده است.

رژیم دست نشانده کابل با نشر یک اعلامیه اعلام کرد که در این حمله بیش از هفتاد تن از مخالفان مسلح به قتل رسیده اند. در اعلامیه از کشته شدن چندین فرمانده ارشد طالبان در ولایت ارزگان نیز خبر داده شده است. رسانه‌های مزدور و حلقه به گوش رژیم دست نشانده و حنجره امپریالیزم یانکی نیز تمامی کشته شده‌ها را طالبان خوانده اند. اما نوار تصویری که در فضای مجازی نشر گردیده است نشان می دهد که

برگزیده ای از سخنان " برتولت برشت "

گزینش متن از : آزاد

می گویند: زمانی که داری، بخور، بنوش و شاد باش.

اما چگونه می توانم بخورم و بیاشامم

هنگامی که می دانم

آن چه را که خوردنی است

از دست گرسنه ای ر بوده ام

و تشنه ای به لیوان آب من محتاج است

برتولت برشت

پسرم می پرسد:

چرا باید ریاضی بخوانم ؟

دلَم می خواهد بگویم لازم نیست

بی خواندن هم خواهی دانست دو تکه نان

بیش از یک تکه است....

برتولت برشت

ای دوست ، از پرسیدن شرم مکن!

مگذار که با زور ، مجبور به پذیرفتن شوی.

خود به دنبال اش بگرد!

آن چه را که خود نیاموخته یی، انگار کن که نمی دانی...

برتولت برشت

به چه دل بسته ای؟

به اینکه جنگ، آسان است؟

این سخن مقبول نیست

روزگار ما از آنچه می انگاشتی بدتر است

روزگار ما چنین است:

اگر ما کاری را مردانه انجام ندهیم معدومیم.

اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ کس از ما انتظار ندارد

از دست رفته ایم

دشمنان منتظرند

تا خسته شویم

هنگامی که نبرد در شدیدترین مرحله است

و جنگجویان در خسته ترین حال

جنگجویانی که خسته ترند

شکست خوردگان صحنه ی نبردند

برتولت برشت

زور، می گوید: آنچه هست این گونه خواهد ماند

هر صدائی جز صدای حاکمان خاموش...!

لیک بسیاری به خیل بردگان، نومید، می گویند:

آنچه می خواهیم ما، هرگز نمی آید...

هان و هان تا زندگی باقی است واژه هرگز نباید گفت

آنچه محکم بود دیگر نیست

آنچه هست اکنون، این چنین دیگر نخواهد ماند.

حاکمان آنگه که حرف خویش بس کردند

حرف محکومان شود آغاز.

پس، که را یارای آن باشد که «هرگز» بر زبان آرد؟

دیرپائی ستمکاران، متکی بر کیست؟

بی گمان بر ما.

محو استیلای جباران، متکی بر کیست؟

همچنان بر ما.

ای فرو افتاده. برپا خیز!

ای سپر انداخته. بستیز!

کیست بتواند ببندد راه بر آن کس که از وضع خود آگاه است؟

پس، توده مغلوب امروزین، فاتح فردا ست

وان زمان، «هرگز»، بی گمان «امروز» خواهد شد.

سیاست را بر سایر امور مقدم بشماریم

..... در وضعیت فلاکتبار و دردانگیز کنونی کشور، جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار پائینی جامعه، یکی از آن بخش های جامعه محسوب میشوند که به شدت آسیب و بینند. این نیروی اجتماعی همچون گوشت دم توپ در جنگ تجاوزکارانه امپریالیست ها و دست نشاندگان شان مورد استفاده قرار میگیرد و بخاطر تامین اهداف و مقاصد ضد ملی و ضد مردمی آنان قربانی میشود. در افغانستان تحت اشغال و فاقد استقلال، جوانان کشور در بی سرنوشتی و بی آیندی فوق العاده شدیدی به سرفی برند. بیکاری و فقر، محرومیت از تعلیم و تحصیل، آوارگی و بی خانمانی عوامل دیگری اند که زندگی پر درد ورنج کنونی جوانان افغانستان را رقمی زنند.

جوانان یکی از بخش های حساس جامعه محسوب میشوند و در مسیر تغییرات و تحولات اجتماعی به سرعت به حرکت در می آیند. آنها حامل نیروی عظیم مبارزاتی اند که اگر آگاهانه با سائر قشرها و طبقات تحتانی و زحمتکش جامعه در آمیزند، تبدیل به انبار باروت آماده به انفجار می شوند و خرمن هستی امپریالیست ها و مرتجعین را به آتش می کشند. بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی، مردمی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی مردمی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار می دهد.

در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپایی جنبش وسیع ملی مردمی و انقلابی جوانان وجود دارد. باید تمامی جویبارهای نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آید و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت در آید و بردهای اشغالگران و دست نشاندگان شان، یورش برد و ویران شان سازد....

پلاتفرم مبارزاتی

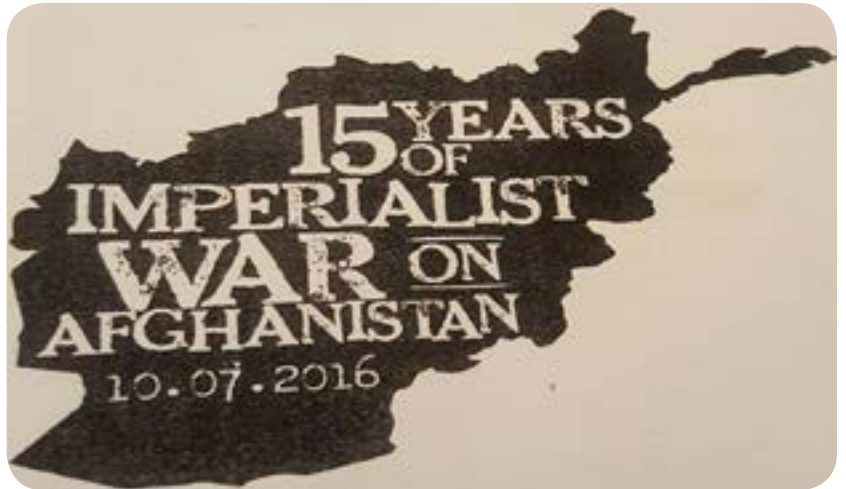
"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

(۱۳ دلو ۱۳۸۴)

مرگ بر اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشاندگان و اشغالگران

۱۲

مرجع داعشی



۱۳

عروس فاریابی غلتیده در خون

۱۴

تظاهرات ۲ اسد جنبش روشنائی

حمله وحشیانه ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار را به

۱۶

شدت تقبیح می کنیم

۱۸

برخیز دختر افغان

رژیم دست نشاندگان فاسد ترین افراد را بالای توده ها

۲۰

حاکم ساخته است

جنایت نابخشودنی اشغالگران امریکایی را در ولایت ارزگان

۲۱

به شدت تقبیح می کنیم.

۲۳

برگزیده ای از سخنان " برتولت برشت "

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

www.afghanistanarmy.org

پست الکترونیکی (ایمیل)

jawanaan@gmail.com